



وزارت امور اقتصادی و دارایی
اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان تهران

نوآوری‌های گزارش کسب و کار ۲۰۱۷

«فرصت‌های برابر برای همه»

«بازسازی شناخت‌های موجود؛ پیش‌بینی شناخت‌های آتی»



معاونت اقتصادی

گروه مطالعه و تحلیل سیاست‌های پولی و مالی

آذر ۱۳۹۵

نوآوری‌های گزارش کسب و کار ۲۰۱۷

«بازسازی شفاف‌های موجود؛ پیش‌بینی شفاف‌های آتی»

« فهرست مطالب »

۱ خلاصه مدیریتی
۲ مقدمه
۵ رابطه بین مقررات کسب و کار و نابرابری در آمد
۷ روش شناسی گزارش کسب و کار
۸ - عواملی که گزارش کسب و کار لحاظ نمی‌کند
۹ - کاربران گزارش کسب و کار
۱۰ - روش جمع‌آوری داده‌ها
۱۰ - مزایا و محدودیت‌های روش‌شناسی
۱۲ مهمترین تحولات کسب و کار ۲۰۱۷
۱۴ حوزه‌های جدید در گزارش ۲۰۱۷
۱۶ - مولفه جنسیت
۱۹ - پرداخت مالیات
۲۰ - فروش به دولت
۲۰ - مقررات بازار کار
۲۳ - چارچوب مقررات جنسیتی در بازار کار

خلاصه مدیریتی:

- گزارش کسب و کار ۲۰۱۷ با شعار "فرصت‌های برابر برای همه"، داده‌های ۱۹۰ کشور را پوشش می‌دهد که بر این اساس بهترین رتبه به کشور نیوزیلند اختصاص دارد که جایگزین سنگاپور شده است.
- در گزارش کسب و کار ۲۰۱۷، شاخص «فروش به دولت» شامل: دسترسی و شفافیت، امنیت مزایده و مناقصات، تاخیر در پرداخت‌ها، مشوق‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط، و مکانیسم‌های حمایتی به صورت پایلوت در نظر گرفته شده است.
- در گزارش کسب و کار ۲۰۱۷، مقررات بازار کار برای ۱۹۰ کشور را در نظر گرفته شده است، اما در رتبه‌بندی لحاظ نشده است.
- در گزارش کسب و کار ۲۰۱۷، شاخص پرداخت مالیات، به فرآیندهای پس از تسلیم اظهارنامه شامل فرآیندهای پس از انجام تکالیف متداول مالیاتی شرکت مشتمل بر استرداد، حسابرسی و دادرسی مالیاتی بسط یافته است.
- در گزارش کسب و کار ۲۰۱۷، برای اولین بار مولفه جنسیت در سه شاخص اصلی شامل: شروع کسب و کار، ثبت مالکیت، و اجرای قراردادهای وارد شده است.
- ۱۳۷ کشور در سراسر جهان در سال گذشته، ۲۳۸ مورد اصلاح مقررات کسب و کار را اجرا نمودند که نشان دهنده افزایش ۲۰ درصدی نسبت به سال قبل است. در واقع تعداد کشورهایی که حداقل یک اصلاح را انجام دادند از ۱۲۲ کشور به ۱۳۷ کشور افزایش یافته است که بیانگر افزایش رقابت کشورها در جهت بهبود شاخص‌های مورد بررسی در فضای کسب و کار است.
- شاخص شروع کسب و کار در مقایسه با سایر شاخص‌ها، بیشترین اصلاحات شامل ۴۹ مورد را به خود اختصاص داده است و بعد از آن شاخص پرداخت مالیات با ۴۷ مورد اصلاحات قرار دارد.

مقدمه

تا به امروز، صاحب نظران و سیاست گذاران در کشورهای مختلف به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی راهبردهای مختلفی را برگزیده اند. امروزه بهبود محیط کسب و کار، به عنوان یک راهبرد شناخته شده اقتصادی مد نظر قرار می گیرد. در واقع، اگر در ابتدای دهه ۱۹۸۰، نظریه پردازان و سیاست گذاران اقتصادی بر خصوصی سازی تاکید داشتند، از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه پردازی و سیاست گذاری اقتصاد شده است. این تغییر در پارادایم سیاست گذاری، محصول تحولات اقتصادی از یک سو و طرح نظریات جدید اقتصادی از سوی دیگر بود.

هر چند که از دید برخی صاحب نظران، راهبرد بهبود کسب و کار، مکمل و حتی پیش نیاز راهبرد خصوصی سازی است؛ برخی نیز بر این باورند رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود محیط کسب و کار باید جایگزین خصوصی سازی شود. این راهبرد را جوزف استیگلیتز^۱، «رشد بخش خصوصی از پایین» و ژانوس کورنای^۲، اقتصاددان مشهور دانشگاه هاروارد، «رشد طبیعی بخش خصوصی» نامیدند. در نهایت هدف اصلی هر دو راهبرد، ایجاد و گسترش بخش خصوصی کارآمد است. بیشتر نظریه پردازان اقتصادی، توسعه بخش خصوصی را به عنوان راهبرد توسعه اقتصادی و افزایش رفاه مورد تاکید قرار داده‌اند. اما اگر رشد بخش خصوصی برای توسعه اقتصادی ضروری است، مهم ترین الزام دستیابی به چنین رشد و دستیابی به توسعه مطلوب فراهم نمودن فضای کسب و کار مناسب است. این امر به نوبه خود، نرخ سریع تر انباشت سرمایه و در نتیجه رشد سریع تر را امکان پذیر می نماید.^۳

۱. Joseph Stiglitz

۲. Janos Kornai

۳. میدری، احمد و اصلان قودجانی (۱۳۸۷)، «سنجش و بهبود محیط کسب و کار»، (ترجمه و تألیف)، انتشارات جهاد دانشگاهی

بهبود محیط کسب و کار و رابطه آن با توسعه اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی و در پی مطالعات هرناندو دسوتو^۴، اقتصاددان اهل کشور پرو مورد توجه قرار گرفت. از نظر دسوتو موانع سخت در کشورهای در حال توسعه، بخش خصوصی را به سمت اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیررسمی و غیرمولد سوق می‌دهد. سرمایه‌ها در باتلاق نظام اداری غرق می‌شوند یا به کشورهای پیشرفته فرار می‌کنند. منظور از محیط کسب و کار، عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا مالکان بنگاه‌ها نمی‌توانند آنها را تغییر داده یا بهبود بخشند. در تعریفی دیگر گفته شده است که محیط کسب و کار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و مقرراتی است که بر فعالیت‌های کسب و کار حاکم هستند. ثبات اقتصاد کلان، کیفیت زیرساخت‌های کشور، کیفیت دستگاه‌های اجرایی، رژیم حقوقی و قوانین و مقررات، هزینه و امکان دسترسی به اطلاعات و آمار، فرهنگ کار و شرایط حاکم بر بازار کار و عوامل دیگری از این دست، از جمله عواملی هستند که عملکرد واحدهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، درحالی‌که مدیران واحدهای اقتصادی نمی‌توانند تأثیر چندانی بر آنها بگذارند. محیط کسب و کار نامناسب، هزینه عملکرد بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و باعث از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری و نیز عقب ماندن تولیدکنندگان کشور از رقبای جهانی می‌شود.

هرناندو دسوتو در کتاب «راز سرمایه» بیان می‌کند سرمایه عاملی است که بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد و ثروت ملل را خلق می‌کند. بهبود محیط کسب و کار علاوه بر تحریک سرمایه داخلی و گسترش فعالیت بخش خصوصی کشورها می‌شود، بلکه می‌تواند یکی از ملاک‌های ارزیابی و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای ورود سرمایه به کشورهای سرمایه‌پذیر باشد. بنابراین کسب رتبه بهتر به نوعی باعث تضمین هرچه بیشتر جذب منابع خارجی به بخش‌های مولد و بارور اقتصاد خواهد شد.

در پی تحقیقات دسوتو، موسسات گوناگون بین‌المللی تحقیقات مستمر و نسبتاً دقیقی برای شناسایی موانع تولید و سرمایه‌گذاری انجام دادند و چندین موسسه بین‌المللی، محیط کسب و کار در کشورهای مختلف

۴. Hernando DeSoto (۱۹۸۲).

را بررسی نموده و کشورها را از نظر مؤلفه‌های مختلف محیط کسب و کار، رتبه‌بندی می‌کنند. از مشهورترین این مؤسسات می‌توان به بانک جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، بنیاد هریتیج^۵ و واحد اطلاعات اقتصادی مجله اکونومیست اشاره کرد. در این گزارش‌ها که تقریباً هر ساله منتشر می‌شوند، سعی بر این است که وضعیت کسب و کار در کشورهای مختلف بر اساس شاخص‌های کمی به تصویر درآید تا قابلیت مقایسه کشورها با یکدیگر فراهم شده و پیشنهادهایی به منظور اصلاح محیط کسب و کار کشورها ارائه گردد.

پروژه بررسی فضای کسب و کار کشورهای مختلف، از سال ۲۰۰۳ و با در نظر گرفتن ۵ شاخص و ۱۳۳ کشور در دستور کار بانک جهانی قرار گرفت و در حال حاضر، به ۱۱ شاخص و ۱۹۰ کشور ارتقا یافته است که هدف آن بررسی تأثیر قوانین و مقررات کشورها بر فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در طول دوره عمر آنها می‌باشد و کشورها را بر اساس شاخص‌هایی رتبه‌بندی می‌نماید.

با توجه به اهمیت بهبود محیط کسب و کار در رشد و توسعه اقتصادی، این موضوع در سال جاری با سیاست راهبردی اقتصاد مقاومتی، به‌عنوان یکی از پروژه‌های ذیربط در دستور کار دولت قرار گرفت و وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف به انجام تمهیدات لازم جهت ارتقای رتبه بین‌المللی کشور شد. بدون تردید نیل به این هدف مستلزم شناخت متدولوژی و ملاک‌های ارزیابی حاکم در جهت رتبه‌بندی کشورها، رویکرد فعلی برای تحلیل عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار، و تمهیدات آتی برای شناسایی و تعریف شاخص‌های جدید آتی احتمالی آنها در حال و آینده می‌باشد. در این راستا، این گزارش با رویکرد ارائه نوآوری‌های گزارش ۲۰۱۷ که مبتنی بر شعار «فرصت‌های برابر برای همه» می‌باشد؛ تدوین شده است. بر اساس گزارش ۲۰۱۷، ضمن آنکه اصلاحاتی در شاخص‌های موجود انجام شده است، پیش‌بینی می‌شود شاخص‌های جدیدی برای ارزیابی محیط کسب و کار کشورها در سال‌های آتی توسط بانک جهانی لحاظ شود.

۵. Heritage Foundation

ساختار گزارش حاضر به این شرح می‌باشد: قسمت دوم گزارش به رابطه بین مقررات کسب و کار و نابرابری درآمد اختصاص دارد که تأکیدی در جهت اهمیت محیط کسب و کار می‌باشد. روش شناسی گزارش کسب و کار مشتمل بر ابعاد مختلف، قسمت سوم گزارش را تشکیل می‌دهد. مهمترین تحولات کسب و کار ۲۰۱۷ در قسمت چهارم گزارش تشریح شده است. حوزه‌های جدید در گزارش ۲۰۱۷ که لازم است عطف توجه مسئولان و متولیان محیط کسب و کار کشور قرار گیرد، در قسمت پنجم ارائه شده است. مضاف بر آن، اهم نکات حائز اهمیت گزارش تحت عنوان "خلاصه مدیریتی" در قسمت آغازین گزارش آورده شده است. لازم به ذکر است که این گزارش برگرفته از گزارش کسب و کار ۲۰۱۷ بانک جهانی^۶ می‌باشد.

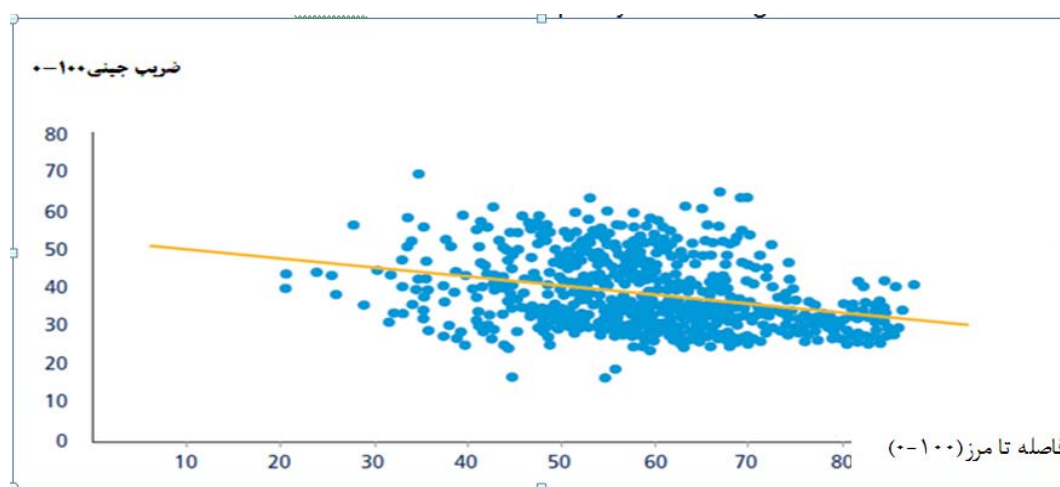
(۱) رابطه بین مقررات کسب و کار و نابرابری درآمد

گزارش فضای کسب و کار ۲۰۱۷ نقش اصلاحات مقررات تنظیمی کسب و کار در کاهش نابرابری درآمد را مورد بررسی قرار می‌دهد. عوامل بسیاری مانند الگوی رشد اقتصادی، میزان و کیفیت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، شیوع رشوه و فساد در نابرابری درآمد دخیل هستند. نابرابری درآمد بالا، عواقب منفی مانند بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی‌های شهری و مدنی را در پی دارد. مطالعات بسیاری پیرامون اینکه چه عواملی باعث کاهش یا افزایش نابرابری درآمد می‌شوند صورت پذیرفته است، از جمله اینکه، سیاست‌هایی مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و یا آموزش می‌تواند باعث کاهش نابرابری درآمد گردد. نتایج برخی مطالعات که اخیراً انجام شده است، نابرابری درآمد را به رشد ضعیف اقتصادی ارتباط می‌دهند. در کنار این عوامل، عامل جنسیت هم مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس نتایج مطالعات، افزایش بیشتر تبعیض جنسیتی، نابرابری بیشتر درآمد را به همراه خواهد داشت. نابرابری جنسیتی در زمینه‌های مختلفی مانند تحصیلات، دسترسی به دارایی‌ها و به طور کلی سرمایه‌گذاری محدود در امور زنان و دختران وجود دارد.

^۶.A World Bank Group Flagship Report, Doing Business ۲۰۱۷ "equal opportunity for all"

علاوه بر این؛ برخی عوامل مؤثر در نابرابری درآمد به فضای مقررات حاکم بر کارآفرینی مرتبط است. در صورتی که شرایط راه‌اندازی کسب و کار بیش از حد سخت و دست و پاگیر باشد، کارآفرینان بالقوه از شروع کسب و کار دلسرد می‌گردند و در نتیجه به بخش غیر رسمی روی می‌آورند که حمایت‌های نیروی کار در آن بسیار ضعیف و نسبت به شوک‌های اقتصادی آسیب پذیر است. قوانین ساده و شفاف ثبت کسب و کار، اخذ مالیات، اخذ اعتبار و ثبت مالکیت به ایجاد شرایط برابر در محیط کسب و کار کمک می‌کند. مطالعه ۱۷۵ اقتصاد نشان می‌دهد کشورهایی که مقررات سخت‌تری در مورد ورود به فضای کسب و کار دارند، سطح بالاتری از نابرابری (که با ضریب جینی سنجیده می‌شود) را تجربه می‌کنند. نمودار (۱) این موضوع را تصویر می‌نماید.

نمودار(۱): رابطه بین نابرابری و محیط کسب و کار



براساس شواهد، تفاوت بین کیفیت مقررات کسب و کار میان کشورهای مختلف به تفاوت بین درآمدهای سرانه همبستگی دارد. مقررات کسب و کار شفاف و در دسترس همگان، دسترسی آحاد جامعه به بازار را تسهیل می‌نماید و به آن‌ها کمک می‌کند که کسب و کار خود را توسعه دهند. انتظار می‌رود افراد کم درآمد از قوانین شفاف بهره ببرند، زیرا بر خلاف ثروتمندان این توانایی را ندارند که با صرف هزینه برای طی مراحل نظام

بروکراتیک از مشاورین تخصصی کمک بگیرند و به احتمال زیاد به خصوص با وجود سخت‌گیری‌های مقررات کسب و کار، از فرصت‌های اقتصادی بی‌بهره می‌مانند. شواهد تجربی نشان می‌دهند که اگر قوانین ساده‌تر و محدودتر باشند، بنگاه‌های با مقیاس کوچک شروع به کار می‌کنند و اندازه بنگاه می‌تواند نماد درآمد برای کارآفرینان باشد. گزارش کسب و کار نیز مؤید این نکته است. بین ضریب جینی به عنوان معیار اندازه‌گیری درآمد و فاصله تا نمره مرز به عنوان معیار کیفیت و کارایی قوانین کسب و کار، رابطه منفی وجود دارد. داده‌ها بیانگر این مطلب هستند که کشورهایی که قوانین کسب و کار خود را بهبود داده‌اند، نابرابری درآمدیشان کاهش داشته است اما باید توجه داشت که اگرچه این نتایج همزمان هستند اما به معنای رابطه علیت نیست. سهولت ورود و خروج از بازار توسط شاخص شروع کسب و کار و شاخص حل و فصل ورشکستگی اندازه‌گیری می‌شود و رابطه معناداری با کاهش نابرابری درآمد دارند. این دو شاخص کسب و کار روی فراهم ساختن فرصت‌ها و دسترسی به بازارها متمرکز هستند.

(۲) روش شناسی گزارش کسب و کار

گزارش کسب و کار بر مقررات مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال در بزرگترین شهر تجاری یک کشور در ۱۱ زمینه متمرکز است. ۱۰ شاخص آن شامل: شروع کسب و کار، مجوز ساخت و ساز، دسترسی به برق، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سهامداران خرد، اخذ مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادهای حل و فصل ورشکستگی است. گزارش کسب و کار در کنار این نماگرها، شاخص‌هایی در مورد مقررات بازار کار منتشر می‌کند که در محاسبه فاصله تا نمره مرز و رتبه‌بندی سهولت کسب و کار لحاظ نمی‌شوند.

این گزارش به دنبال آرایه معیارهای کمی مقررات کسب و کار در قالب ۱۱ حوزه تنظیم مقررات است که برای عملکرد بخش خصوصی بسیار مهم است. قوانین و مقررات می‌توانند به تصحیح و جلوگیری از نمونه‌های سنتی شکست بازار مانند عوارض خارجی منفی، بازارهای ناقص و اطلاعات نامتقارن کمک کنند. همچنین زمانی

که معاملات بازار منجر به نتایج اجتماعی غیر قابل قبولی مانند توزیع نامناسب ثروت و درآمد می‌شود، می‌توان از مقررات به عنوان یک ابزار مداخله استفاده کرد. دولت‌ها توانایی وضع و اجرای مقررات در راستای جلب اعتماد به شرایط برابر برای شهروندان و فعالان اقتصادی در یک جامعه را دارند. مقررات کسب و کار نوعی خاص از قوانین هستند که می‌تواند مشوق رشد و حمایت افراد در بخش خصوصی باشد. نقش بخش خصوصی عموماً به مشابه یک محرک اصلی رشد و توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. حدود ۹۰ درصد اشتغال (اعم از رسمی و غیررسمی) به این بخش تعلق دارد و پتانسیل بسیاری دارد که می‌بایستی مورد استفاده قرار گیرد. دولت‌ها می‌توانند به همراه بخش خصوصی در راستای ایجاد فضای کسب و کار پررونق فعالیت کنند. به طور خاص منافع مقررات مؤثر کسب و کار می‌بایستی به طور همزمان با بحث هزینه‌های آن مد نظر قرار گیرد. غالباً کارآفرینان و بنگاه‌ها از مقررات بیش از حد که معمولاً به عنوان کاغذبازی شناخته می‌شوند، ناراضی هستند. مقررات بیشتر لزوماً راهکار مناسب‌تری نیست؛ بلکه راه حل مؤثرتر و مورد تایید بانک جهانی، مقررات دقیقی است که با هدف توازن بین تسهیل فعالیت بخش خصوصی، همراه با تأمین حمایت کافی از منافع مصرف‌کنندگان و سایر گروه‌های اجتماعی باشد.

۲-۱) عواملی که گزارش کسب و کار لحاظ نمی‌کند

بسیاری از حوزه‌های مهم سیاستی توسط گزارش کسب و کار پوشش داده نمی‌شوند. حتی در زمینه‌های تحت پوشش هم دامنه آن محدود است. یکی از نقایص گزارش کسب و کار این است که دامنه‌ی کاملی از عوامل، سیاست‌ها و نهادهای موثر بر کیفیت فضای کسب و کار و رقابت را اندازه‌گیری نمی‌کند. به عنوان مثال، ثبات اقتصادی، توسعه نظام مالی، اندازه بازار، رشوه‌خواری، فساد و یا کیفیت نیروی کار را در نظر نمی‌گیرد. این امر حتی در مورد مجموعه شاخص‌های نسبتاً محدود کسب و کار، مصداق دارد؛ به عنوان مثال؛ زمان و هزینه مورد نیاز فرایند صادرات و واردات در گروه شاخص‌های تجارت فرامرزی در نظر گرفته شده است، اما

هزینه‌های تعرفه یا حمل بین‌المللی اندازه‌گیری نمی‌شود. گزارش کسب و کار از طریق نماگرهایی (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) دورنمایی محدود از چالش‌های زیرساختی که بنگاه‌ها با آن روبرو هستند، را فراهم می‌کند. لیکن این بررسی در حدی نیست که جاده، راه‌آهن و ارتباطات ناکافی که می‌توانند هزینه‌های بنگاه‌ها را افزایش دهند را در نظر بگیرد (البته به جز بررسی غیرمستقیم کیفیت بنادر و اتصالات مرزی که در شاخص تجارت فرامرزی در نظر گرفته می‌شود). همانند شاخص تجارت فرامرزی، تمام جنبه‌های قوانین تجاری و یا شاخص‌های مرتبط با حمایت از سهام‌داران خرد، توسط شاخص شروع کسب و کار پوشش داده نمی‌شود. با عنایت به این موضوع که گزارش کسب و کار تنها جنبه‌های محدودی از هر حوزه را بررسی می‌کند، اصلاح مقررات نبایستی صرفاً محدود به این موارد باشد، زیرا حوزه‌هایی هم که مورد بررسی قرار نمی‌گیرند؛ حائز اهمیت هستند.

به طور کلی گزارش کسب و کار در تلاش نیست تا همه هزینه‌ها و منافع قانون و مقررات مشخص برای جامعه را بسنجد. شاخص‌های پرداخت مالیات، نرخ کل مالیات که هزینه‌ای برای کسب و کار است را اندازه‌گیری می‌کند. هر چند که این شاخص‌ها منافع برنامه‌های اقتصادی مبتنی بر درآمد مالیاتی را نمی‌سنجند. محاسبه کیفیت مقررات کسب و کار فقط معیاری برای بررسی محدودیت‌های ناشی از تنظیم مقررات به همراه دستاوردهای حاصل از این مقررات را فراهم می‌کند. گزارش کسب و کار را باید به عنوان نقطه شروع بررسی به همراه سایر منابع داده‌ها به کار برد.

۲-۲) کاربران گزارش کسب و کار

کاربران گزارش کسب و کار، دولت‌ها و سیاست‌گذاران و پژوهشگران هستند. این گزارش در کنار سایر منابع اطلاعاتی می‌تواند برای دولت‌ها و سیاست‌گذاران کاربرد داشته باشد. شاخص‌های کسب و کار، می‌توانند کاربردی باشند، به طور مثال دولت‌ها می‌توانند به منظور افزایش کارایی بنگاه‌ها، حداقل سرمایه‌ی لازم برای

راه‌اندازی و ثبت یک شرکت را تعیین نمایند؛ با استفاده از تکنولوژی و تسهیلات جدید، کارایی اخذ و نظارت مالیاتی را افزایش دهند. برای کاهش روند اجرای قراردادهای اصلاحاتی را انجام دهند. از طریق نظام صدور پروانه‌های شغلی مانند وکالت، دفاتر رسمی، متخصصین برق، معماران می‌تواند از شکل‌گیری سیستم ضد رقابتی جلوگیری کند. مضاف بر آن، اصلاح مقررات کسب و کار نیز یکی از مواردی است که دولت‌ها می‌توانند به کار گیرند. در این راستا کشورهایمانند مالزی، کلمبیا و روسیه کمیته‌هایی تحت عنوان کمیته اصلاح مقررات شکل داده‌اند. این کمیته‌ها شاخص‌های گزارش کسب و کار را به عنوان یک ورودی برای اجرای برنامه‌های بهبود فضای کسب و کار به کار می‌برند. در بیش از ۴۰ کشور چنین کمیته‌هایی شکل گرفته است.

۲-۳) روش جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های بانک جهانی براساس مطالعه دقیق قوانین و مقررات و الزامات اداری داخلی است که ۱۹۰ کشور را پوشش می‌دهد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق چندین بار ارتباط با متخصصان پاسخ‌دهنده (بخش دولتی و خصوصی) و از طریق پرسشنامه، کنفرانس تلفنی، مکاتبات و جلسات با گروه گردآوری می‌گردد. گزارش کسب و کار بر چهار منبع اطلاعاتی متکی است: ۱- قوانین و مقررات مربوطه ۲- پاسخ‌دهندگان به تهیه کنندگان گزارش کسب و کار ۳- دولت کشورهای تحت پوشش ۴- کارکنان منطقه‌ای بانک جهانی

۲-۴) مزایا و محدودیت‌های روش‌شناسی

در گزارش کسب و کار از روشی استفاده شده است که به راحتی برای ارزیابی جنبه‌های مختلف مقررات کسب و کار قابل تکرار باشد. اطمینان از قابلیت مقایسه داده‌ها در فضای اقتصادهای مختلف دنیا، جزء ملاحظات اساسی است که با لحاظ حالت‌های موضوعی استاندارد و فروض مشخص گسترش یافته است. یکی از این فروض مربوط به محل کسب و کارهایی است که به عنوان مبنای مطالعه در گزارش کسب و کار مورد بررسی قرار می‌گیرند که بزرگترین شهر تجاری یک اقتصاد در نظر گرفته می‌شود. اما در عالم واقع، مقررات کسب و کار و

اجرا و تحقق آن‌ها در داخل یک کشور (به‌ویژه در مورد دولت‌های فدرال و اقتصادهای بزرگ) می‌تواند متفاوت باشد. جمع‌آوری داده‌های حوزه قضایی برای هر یک از ۱۹۰ کشور مورد بررسی، غیرممکن است. با این حال، در مواردی که سیاست‌گذاران به گردآوری داده‌های فراتر از بزرگترین شهر تجاری و در سطح محلی علاقه‌مند باشند، بانک جهانی شاخص‌های خود را با مطالعات محلی تکمیل کرده و در کشورهای با بیش از ۱۰۰ میلیون نفر، دومین شهر بزرگ تجاری آن را نیز مورد پوشش قرار داده است.

برخی موضوعات گزارش کسب و کار پیچیده هستند و بنابراین تعریف دقیق موارد استاندارد، ضروری است. به عنوان مثال، در حالت استاندارد شرکت با مسئولیت محدود و یا معادل قانونی آن را در نظر می‌گیرد که دو علت برای این فرض وجود دارد. نخست این‌که این شرکت‌ها در بیشتر کشورهای دنیا رایج‌ترین نوع شرکت هستند. دوم، این انتخاب منعکس‌کننده تمرکز گزارش کسب و کار بر گسترش فرصت‌های کارآفرینی است، به این معنا که سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در کسب و کارهایی تشویق می‌نماید که ضرر و زیان بالقوه آن محدود به سهم سرمایه‌مشارکتی آن‌ها است.

فرض دیگر در مورد شاخص‌های فضای کسب و کار این است که کارآفرینان دانش و اطلاعات مطابق با مقررات مربوطه را دارند. در عمل، کارآفرینان ممکن است در مورد آنچه که برای اجرا نیاز باشد و یا چگونگی مواجهه با مقررات آگاه نباشد و این امر منجر به از دست دادن زمان قابل توجهی در راستای حل مشکلات شود. آن‌ها ممکن است به عنوان مثال با عدم ثبت در مورد تامین اجتماعی تعمداً از اجرای قوانین خودداری کنند. همچنین این امکان وجود دارد که برای دور زدن قوانین دشوار، از رشوه و یا سایر قراردادهای غیررسمی بهره ببرند که این امر می‌تواند به توضیح تفاوت بین داده‌های قانونی و رسمی که توسط گزارش کسب و کار ارائه می‌شود و داده‌های ناشی از نظرسنجی‌های بانک جهانی کمک کند. با وجود قوانین مخل، احتمالاً بخش‌های غیر رسمی حضور بیشتری در اقتصاد دارند. این بخش‌ها در مقایسه با هم‌تایان رسمی خود، عموماً دارای رشد آهسته‌تر، دسترسی کمتر به اعتبارات هستند و نیروی کار کمتری را بکار می‌گیرند که افراد شاغل در این بخش

از حمایت قانون کار و سایر حمایت‌های قانونی محروم می‌مانند. بنگاه‌های موجود در بخش غیررسمی تمایل کمتری به پرداخت مالیات دارند. گزارش کسب و کار، گروهی از شاخص‌هایی را می‌سنجد که به توضیح وقوع غیررسمی کمک می‌کند و توجه سیاست‌گذاران را به حوزه‌هایی معطوف می‌کند که پتانسیل اصلاح مقررات را دارند.

(۳) مهمترین تحولات کسب و کار ۲۰۱۷

گزارش فعلی شامل ۶ مطالعه موردی و دو پیوست می‌باشد، مطالعات موردی روی حوزه‌هایی متمرکز هستند که در رتبه‌بندی گزارش کسب و کار امسال دخیل هستند و پیوست‌ها مربوط به حوزه‌هایی است که در رتبه‌بندی نقشی ندارند. مطالعات موردی در مورد شاخص دسترسی به برق، اهمیت عرضه قابل اتکای انرژی را در محیط کسب و کار مشخص می‌کند و شکست و چالش‌های ۴ اقتصاد مختلف شامل: کامرون، گواتمالا، اندونزی و پاکستان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

دو مطالعه موردی مربوط به اخذ اعتبارات است که یکی از آن‌ها بر شاخص قدرت حقوق قانونی و دیگری بر عمق اطلاعات اعتباری متمرکز است. مطالعه در مورد قدرت حقوق قانونی از دو منظر، اصلاحات اقتصادی را بررسی می‌کند. یکی اینکه، یک کشور تمامی مقررات موجود را کنار می‌گذارد و چارچوب و قواعد جدیدی را برای معاملات امن و شفاف ایجاد می‌کند. دیگر اینکه، با حفظ چارچوب فراگیر فعلی، اصلاحات تدریجی را انجام می‌دهد. مطالعه موردی روی عمق اطلاعات اعتباری، اهمیت عملکرد سیستم اطلاعات اعتباری و مالی را نشان می‌دهد و به بررسی این موضوع می‌پردازد که با افزایش منابع اطلاعاتی می‌توانند دامنه پوشش خود را گسترش دهند.

مطالعه موردی حمایت از سهام‌داران خرد، اصلاحاتی که روی بخش‌های جدید این شاخص شکل گرفته‌است را بررسی می‌کند. اصلاحاتی که در هند و سوییس اجرا شده‌اند، با جزییات بحث شده است. مطالعه

موردی پرداخت مالیات، داده‌های جدید در مورد روند بعد از تکمیل اظهارنامه مالیاتی را بررسی می‌نماید. و در نهایت، مطالعه موردی تجارت فرامرزی اهمیت وجود پنجره واحد و سیستم الکترونیکی در راستای ساده سازی تدارکات لازم و کاهش فساد را بررسی می‌کند. در پیوست‌ها داده‌های مقررات بازار کار و فروش به دولت (به عنوان شاخص آزمایشی) ارایه شده است که ۷۸ کشور را پوشش می‌دهد.

در سال ۲۰۰۵ اخذ مجوز شروع کسب و کار در کمتر از ۲۰ روز، تنها در ۴۱ کشور ممکن بود، اما در سال ۲۰۱۶ این تعداد به ۱۳۰ کشور می‌رسد. گزارش کسب و کار ۲۰۱۷ شکاف بزرگ میان اقتصادهای با درآمد بالا و پایین را نشان می‌دهد. همچنین این گزارش، موانعی را بررسی می‌نماید که زنان در مقایسه با مردان، برای شروع یک کسب و کار و یا تصاحب یک شغل با آن مواجه هستند. در ۱۵۵ کشور زنان حقوق برابری با مردان ندارند و حمایت محیطی ضروری برای تشویق و بهبود کارآفرینی، برای زنان کمتر است.

داده‌های جدید بیانگر سرعت بیشتر اصلاحات هستند و تعداد بیشتری از کشورها اصلاحات را بکار بسته و اجرا می‌کنند. نیوزیلند کشوری با بهترین رتبه است که امسال جایگزین سنگاپور شد. اقتصادهای جنوب صحرای آفریقا با نرخ ۳ برابر کشورهای OECD با درآمد بالا، در حال بهبود نمره کسب و کار خود هستند. در طول دهه گذشته از ۳۷ کشوری که در جنوب صحرای آفریقا هستند، تعداد کشورهایی که مشغول بهبود و اصلاح کسب و کار شده‌اند بیش از ۲ برابر گردیده است. هدف گزارش کسب و کار کمک به کارآفرینان کشورهای با درآمد پایین جهت مواجهه با شرایط کسب و کار آسان‌تر از هم‌تایان خود در کشورهای با درآمد بالاتر است. داده‌ها به‌وضوح نشان دهنده تسهیل و همگرایی است.

گزارش کسب و کار از سال ۲۰۰۴، بیش از ۲۹۰۰ اصلاح مقررات در میان ۱۸۶ کشور را ثبت کرده است. بیشترین اصلاحات به طور متوسط، در منطقه اروپا و آسیای مرکزی صورت پذیرفته است. منطقه‌ای که از نظر عملکرد به کشورهای OECD با درآمد بالا نزدیک شده است. شماری از کشورهای این منطقه مانند گرجستان، لتونی، لیتوانی در بین ۳۰ کشور برتر گزارش کسب و کار ۲۰۱۷ هستند.

در سال ۱۶-۲۰۱۵، ۱۳۷ کشور در سراسر جهان، ۲۳۸ مورد اصلاح مقررات کسب و کار را اجرا نمودند که نشان دهنده افزایش ۲۰ درصدی نسبت به سال قبل است. در واقع تعداد کشورهایی که حداقل یک اصلاح را انجام دادند از ۱۲۲ کشور به ۱۳۷ کشور افزایش یافته است. این امر بیانگر افزایش رقابت کشورها در خصوص بهبود شاخص‌های مورد بررسی در فضای کسب و کار است.

شاخص شروع کسب و کار با ۴۹ مورد، بیشترین اصلاحات را داشته است و پس از آن شاخص پرداخت مالیات با ۴۷ مورد قرار دارد. ۹۶ درصد کشورهای واقع در اروپا و آسیای مرکزی حداقل یک اصلاح در حوزه کسب و کار را اجرا کرده‌اند. منطقه جنوب صحرای آفریقا منطقه‌ای است که از نظر انجام اصلاحات کسب و کار در رتبه دوم قرار دارد و ۷۷ درصد کشورها حداقل یک اصلاح را انجام داده‌اند.

امسال ۱۰ کشور شامل: برونئی دارالسلام، قزاقستان، کنیا، بلاروس، اندونزی، صربستان، گرجستان، پاکستان، امارات متحده عربی و بحرین بیشترین بهبود را تجربه کرده‌اند؛ که رتبه آن‌ها بین ۱۶ (گرجستان) تا ۱۴۴ (پاکستان) قرار دارد. ۲۶ درصد از اصلاحات صورت‌پذیرفته در زمینه‌هایی است که نسبت به ۲۰۱۵ جدید هستند و ۱۷ درصد آن در زمینه حوزه‌های قدیم و جدید است.

۴) حوزه‌های جدید در گزارش ۲۰۱۷

گزارش کسب و کار ۲۰۱۷، اقتصاد سومالی را نیز به جمع کشورها اضافه کرده است. شاخص‌های پرداخت مالیات را گسترش داده، تبعیض جنسیتی را در چهار زمینه در نظر گرفته است و یک ضمیمه جدید در مورد فروش به دولت را نیز اضافه کرده است. به طور کلی، مهمترین تحولات گزارش امسال را همانگونه که نمودار (۲) نشان می‌دهد، می‌توان در سه ناحیه در نظر گرفت. یکی از تغییرات، در نظر گرفتن شاخص آزمایشی «فروش به دولت» است. در خصوص سه شاخص، معیار جنیستی لحاظ شده است که این امر، ناحیه دوم تغییرات را به خود اختصاص می‌دهد. ناحیه سوم مربوط به شاخصهایی نظیر پرداخت مالیات است که هر چند، پیش از این نیز

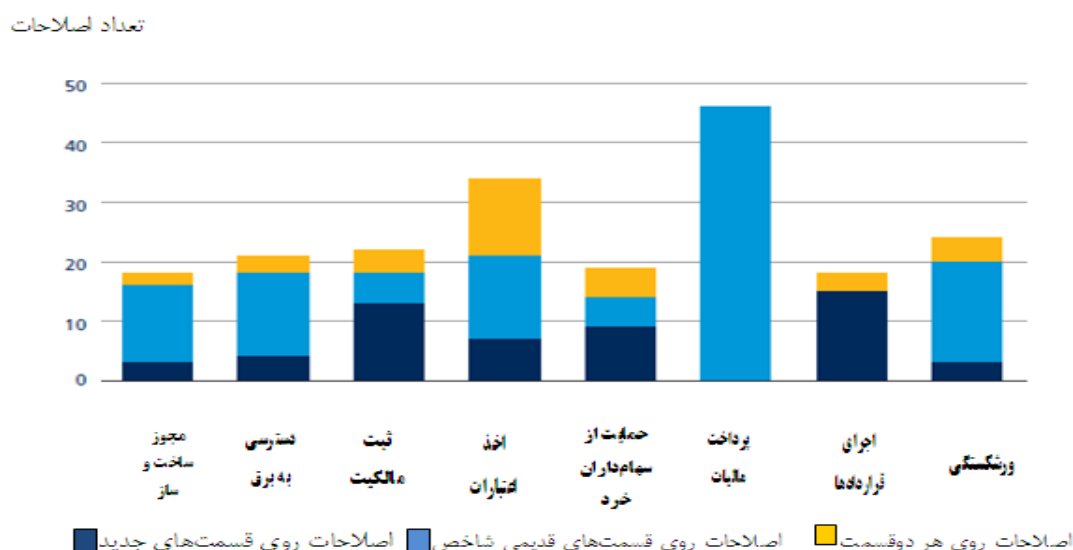
معیار ارزیابی و رتبه بندی کشورها بوده، لیکن در گزارش فعلی فرآیند آن بسط داده شده و مراحل پس از پرداخت مالیات نیز در آن دیده شده است.

نمودار(۲): مهمترین تغییرات گزارش ۲۰۱۷ در یک نگاه



نمودار(۳) اصلاحات انجام شده بر روی ۸ شاخص موجود گزارش کسب و کار ۲۰۱۷ شامل: مجوز ساخت و ساز، دسترسی به برق، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سهامداران خرد، اخذ مالیات، اجرای قراردادهای و حل و فصل ورشکستگی را تجزیه و تحلیل می کند. این اصلاحات در دو طبقه قابل تقسیم بندی هستند: اصلاحاتی که بر روی قسمت جدید شاخصها اعمال شده است و اصلاحاتی که بر روی شاخصهای قبلی لحاظ شده است. لذا در خصوص اغلب شاخصها، بر روی هر دو قسمت جدید و قدیم شاخص اصلاحات صورت گرفته است.

نمودار (۳): اصلاحات انجام شده در تحلیل محیط کسب و کار ۲۰۱۷ در مقایسه با سال قبل



۵-۱) مولفه جنسیت

زنان ۴۹/۶ درصد از جمعیت دنیا را شکل می‌دهند، اما تنها ۴۰/۸ درصد از جمعیت نیروی کار رسمی در اختیار زنان است. در اقتصادهای نوظهور بین ۳۱ تا ۳۸ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط یک مالک زن دارند، اما رشد این بنگاه‌ها به طور معناداری کمتر از بنگاه‌هایی است که در مالکیت یک مرد می‌باشد. طی دو دهه گذشته، بر ابعاد مختلف رابطه نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی تمرکز زیادی شده است. شواهدی وجود دارد که رتبه رقابت‌پذیری کشورهای که زنان را سریعتر وارد بازار کرده‌اند؛ در سطح بین‌المللی ارتقا یافته است؛ چرا که توسعه تولید صادرات محور بیشتر مبتنی بر اشتغال زنان است. همچنین مطالعات، رابطه میان رشد و توسعه اقتصادی را با افزایش نرخ مشارکت زنان در نیروی کار تأیید کرده‌اند.

تبعیض جنسیتی انتخابها را محدود می‌کند و بنابراین می‌تواند در دستیابی به پیامدهای کارآمد انحراف ایجاد کند. کارفرمایی که تصمیم می‌گیرد یک زن را به خاطر جنسیتش استخدام نکند، می‌تواند به قیمت بهره‌وری پایین‌تر برای آن بنگاه تمام شود. اعمال گسترده این تفکر، آثار منفی در سطح کلان خواهد داشت.

بنابراین، رشد اقتصادی و تولید بالقوه می تواند در نتیجه تبعیض جنسیتی کاهش یابد. اختلاف جنسیتی در نرخ مشارکت نیروی کار و کارآفرینی زنان، حدود ۲۷ درصد از کاهش درآمد کل در خاورمیانه و شمال آفریقا، ۱۹ درصد در آسیای جنوبی، ۱۴ درصد در امریکای لاتین و ۱۰ درصد در اروپا را تبیین می کند. اگر در سطح جهانی، زنان از نیروی کار کنار گذاشته شوند، درآمد سرانه حدود ۴۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد.

گزارش محیط کسب و کار سال ۲۰۱۷ که با شعار "فرصت های برابر برای همه" توسط بانک جهانی تدوین شده است؛ برای اولین بار مؤلفه جنسیت را در سه شاخص اصلی شامل: شروع کسب و کار، ثبت مالکیت و اجرای قرارداد وارد نموده است. بانک جهانی با تأکید بر این که حدود نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می دهند؛ در ارزیابی محیط کسب و کار جنبه هایی را در نظر می گیرد که بر این گروه تأثیر گذار است. چرا که در بعضی کشورها، موانعی که کارآفرینان زن در طیف وسیعی از فعالیتهای تجاری و اقتصادی با آن مواجه هستند؛ بسیار بیشتر از هممتایان مرد آنهاست. به عنوان مثال، این موضوع مورد بررسی قرار می گیرد که آیا ثبت شرکت با مالکیت یک زن، از لحاظ تشریفات و الزامات مشابه هنگامی است که مالک آن مرد باشد. در برخی کشورها برای ثبت شرکت، زنان می بایستی تشریفات بیشتری را سپری کنند و یا نیاز به اجازه همسرشان دارند. اجماع جدیدی در مورد تفاوت حقوق مردان و زنان برای مالکیت داراییها، انتقال آن و دسترسی به اعتبارات شکل گرفته است. در نهایت، شاخص اجرای قراردادها، به بررسی مواردی می پردازد که شهادت یک زن در دادگاه، وزن کمتری از شهادت یک مرد دارد و این موضوع یک نقطه ضعف اساسی برای زنان در معاملات تجاری است. در حال حاضر، گزارش فضای کسب و کار ملاحظاتی را در برمی گیرد که انعکاس بهتری از سهولت کسب و کار برای طیف وسیعی از کارآفرینان یک کشور شامل زنان کارآفرین داشته باشد.

در همین راستا، همان طور که در بالا اشاره شده مؤلفه جنسیت برای سه شاخص لحاظ شده است. در خصوص شروع کسب و کار اکنون دیگر بین کارآفرینان زن و مرد تمایز قایل می شود. در خصوص ثبت مالکیت، اختلافات قانونی مبتنی بر جنسیت برای حقوق مالکیت در زمینه های انتقال، استفاده یا مالک بودن را در نظر

می‌گیرد. رویکرد شاخص اجرای قرارداد به این سمت سوق پیدا کرده است که آیا اظهارات زنان و مردان و یا شهادت آنان در دادگاه‌ها اعتبار یکسانی دارند. این سه زمینه به این دلیل انتخاب شده‌اند که شواهد کافی در خصوص تاثیر آنها بر توسعه اقتصادی وجود دارد و مضاف بر آن، به خوبی در چارچوب محیط کسب و کار قابل تعریف هستند. علاوه بر این موارد، گزینه دیگری که در خصوص مبحث جنسیتی پیش بینی شده اما در گزارش سال جاری لحاظ نشده است، سهم زنان در هیأت مدیره شرکتهاست. بررسی‌هایی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که ۹ کشور از کشورهای OECD چنین تمهیداتی را در نظر می‌گیرند که ۷ مورد از این کشورها شامل: بلژیک، فرانسه، آلمان، ایسلند، نروژ و رژیم اشتغالگر قدس سهمیه‌هایی را برای زنان در هیأت مدیره تعریف می‌کنند و عدم رعایت آن مستلزم پرداخت جریمه است. مقررات مشابهی در برخی کشورهای دیگر وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، شرکت‌های سهامی در کشور هند حداقل باید یک عضو زن داشته باشند. در سریلانکا هر شرکتی که یک زن در مقام مدیریت داشته باشد، مستحق ۶/۵ درصد اعتبار مالیاتی است. بر خلاف این امر، زنان در ۲۳ کشور باید رویه‌های طولانی تری را نسبت به مردان برای شروع کسب و کار طی کنند. زنان در ۱۶ کشور در زمینه مالکیت، بهره‌برداری و انتقال اموال محدودیت دارند و در ۱۷ کشور، اعتبار شهادت زنان در دادگاه‌ها به اندازه مردان نیست.

در خصوص شاخص شروع کسب و کار، سه معیار مرتبط به جنسیت به آن افزوده شده‌اند: آیا زنان برای ترک منزل نیاز به اجازه دارند؛ آیا برای تعیین هویت رویه‌های مبتنی بر جنسیت تعریف شده‌اند و در نهایت آیا یک زن متأهل برای شروع کسب و کار ملزم به اجازه همسر می‌باشد. هر چند که در عمل ممکن است این قوانین اجرا نشود، اما در هر صورت قدرت چانه‌زنی زنان را در خانواده کاهش می‌دهد و توانمندی آنها را در محیط کسب و کار تحت الشعاع قرار می‌دهد. در ۱۷ کشور زنان متأهل مطابق قانون نمی‌توانند بدون اجازه همسر منزل را ترک نمایند. در ۳ کشور فرآیند تعیین هویت رسمی برای زنان و مردان متفاوت است. در ۴ کشور شروع کسب و کار زنان مستلزم اجازه رسمی همسر است.

۵-۲) پرداخت مالیات

شاخص پرداخت مالیات که تا پیش از این، صرفاً بر تعداد پرداختها، زمان و کل نرخ مالیات متمرکز بود؛ در گزارش فعلی، به فرآیندهای پس از تسلیم اظهارنامه بسط یافته است؛ منظور از عبارت «پس از تسلیم اظهارنامه» فرآیندهایی است که پس از انجام تکالیف متداول مالیاتی شرکت اتفاق می افتد که شامل استرداد، حسابرسی و دادرسی مالیاتی است. گزارش بالاخص به اندازه گیری زمان استرداد مالیات بر ارزش افزوده (VAT)؛ و نیز بررسی حالتی که یک اشتباه ساده در اظهارنامه مالیات بر درآمد شرکت اتفاق می افتد؛ تأکید دارد که به طور معمول منجر به حسابرسی و دادرسی مالیاتی می شود.

با توجه به این که اصابت قانونی VAT بر کسب و کار نیست و به مصرف کننده نهایی است، اما برخی کسب و کارها VAT وضع شده در خریدهایشان بیش از آن مقداری است که در فروش هایشان به دست می آورند. بنابراین مستحق دریافت مابه التفاوت از مقامات مالیاتی هستند. گزارش ۲۰۱۷ به این موضوع پرداخته است که چه مدت زمان لازم است تا مؤدیان موفق به استرداد این مابه التفاوت شوند. داده های گزارش کسب و کار نشان داد که فرآیند استرداد VAT در کشورهای با درآمد بالای OECD به طور متوسط ۱۴/۴ هفته طول می کشد و در این خصوص نسبت به سایر کشورها کارآتر عمل می کنند.

گزارش کسب و کار فعلی به منظور ارزیابی حسابرسی مالیاتی، تحلیل را با این سناریو ساخته است که اگر شرکتی در محاسبه بدهی مالیاتی خود مرتکب اشتباه ساده ای شود که منجر به نادرست بودن اظهارنامه مالیات بر درآمد شرکت شود و بدین ترتیب بدهی مالیاتی کمتری را نشان دهد، لیکن چنانچه شرکت متوجه این اشتباه شود و آن را به صورت داوطلبانه به مقامات مالیاتی اطلاع دهد، واکنش مقامات مالیاتی چگونه خواهد بود. در ۷۴ کشور حتی با وجود اطلاع فوری مودیان مالیاتی، این خطا به حسابرس مالیاتی ارجاع می شود. در ۳۸ کشور این امر منجر به حسابرسی جامع اظهارنامه می شود. در مقابل، ساده ترین فرآیندهای مربوط به تصحیح اشتباهات

کوچک در اظهارنامه مالیاتی به کشورهای با درآمد بالای OECD و کشورهای اروپا و آسیای مرکزی اختصاص دارد.

۵-۳) فروش به دولت^۶

شاخص جدید دیگری که به صورت آزمایشی استفاده شده است، فروش به دولت است که مقررات تأمین عمومی را اندازه می‌گیرد و در گزارش امسال به عنوان ضمیمه آورده شده است. فرآیند تأمین در ۵ زمینه شامل: دسترسی و شفافیت، امنیت فراخوان‌های مزایده و مناقصه، تأخیر در پرداختها، مشوق‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط، و مکانیسم‌های حمایتی تعریف می‌شود. دسترسی و شفافیت بر پایه این موضوع است که اطلاعات برای تمام پیشنهاد دهندگان احتمالی معامله به صورت یکسان قابل دسترس باشد. منظور از امنیت فراخوان مقدار وجهی است که پیشنهاد دهندگان باید پیشاپیش برای شرکت در فراخوان بپردازند. تأخیر در پرداخت به مدت زمانی تأکید دارد که شرکت وجوه خود را پس از انعقاد قرارداد و ارایه خدمات از دولت دریافت می‌کند (استرداد تضمین). معیار مشوق‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط به این موضوع می‌پردازد که کشورها تمهیدات یا سیاست‌های قانونی خاصی به منظور تأمین دسترسی عادلانه این گونه بنگاه‌ها به قراردادهای دولتی در نظر گرفته باشند. محور مکانیسم‌های حمایتی، فرآیند طرح شکایت در خصوص پروژه‌های تأمین دولتی است مبنی بر این که چه کسانی قابلیت طرح شکایت دارند، چه مراجعی برای طرح شکایت پیش‌بینی شده است و تا چه میزان استقلال بدنه رسیدگی حفظ می‌شود.

۵-۴) مقررات بازار کار

محیط کسب و کار جنبه‌هایی را در نظر می‌گیرد که کارآفرینان بخش خصوصی را در هر یک از مراحل شروع کسب و کار، اجرای کسب و کار، و یا توسعه آن باز می‌دارد. این مقررات با استفاده از ۱۱ شاخص اندازه

۶. Selling to the government

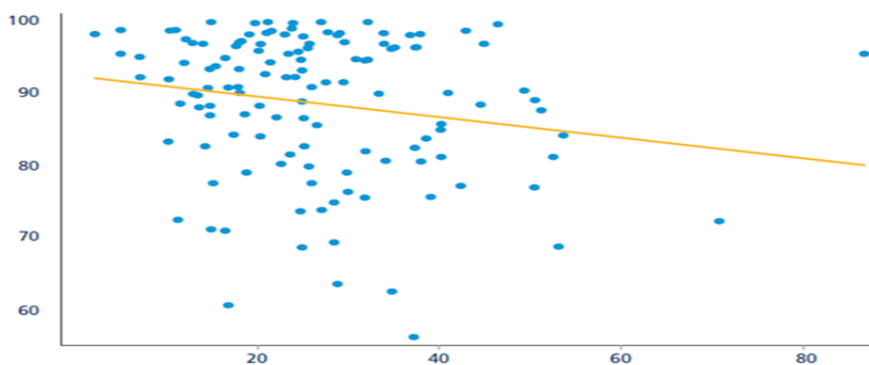
گیری می شوند هر چند که شاخص یازدهم که مشتمل بر مقررات بازار کار است، هنوز در رتبه بندی کشورها لحاظ نشده است، اما گزارش کسب و کار، ابعاد مختلفی از مقررات بازار کار کشورها را اندازه گیری و گردآوری می کند.

مقررات بازار کار می تواند از حقوق کارگران حمایت کند، دغدغه از دست دادن شغل را کاهش و عدالت و همبستگی اجتماعی را افزایش دهد. هر چند که مقررات بیش از اندازه در بازار کار، انگیزه ایجاد شغل را از بین می برد و جابجایی کارگران را به سمت مشاغل بهره‌ورتر محدود می کند. مضاف بر آن، به تفکیک و بخش بندی بازار کار و نیز کاهش اشتغال زنان و جوانان می انجامد. به عنوان مثال، قوانینی که با هدف حمایت از منافع زنان، آنان را از ایجاد شغل در معادن و صنایع کارخانه ای منع می کند؛ می تواند منجر به تبعیض بیشتر و شکاف گسترده تر دستمزد ناشی از جنیست شود. برعکس، قوانین ضعیف بازار کار می تواند منجر به مدیریت ریسک ضعیف و مسائلی در خصوص نابرابری قدرت شود. بنابراین چالش توسعه سیاستهای بازار کار در جهت اجتناب از افراط و تفریط مقررات و دستیابی به توازن بین حمایت از کارگران و انعطاف پذیری است.

گزارش کسب و کار جنبه های مختلفی از مقررات بازار کار شامل: استخدام، ساعات کار، هزینه و شرایط اخراج را علاوه بر جنبه های کیفیتی شغل (دسترسی به حمایت های بیکاری، مرخصی زایمان و تبعیض جنسیتی در محل کار) برای ۱۹۰ کشور را در نظر می گیرد. این موضوع به زمینه سازی برای بررسی رابطه بین بازار کار و پیامدهای اقتصادی آن کمک می کند. برای مثال، در کشورهایی که مقررات کار منعطف تری دارند، تعداد بیشتری از بنگاه ها، اقدام به ثبت رسمی می کنند. علاوه بر آن، مقررات منعطف بازار کار منجر به سهم بالاتر حق بیمه شود که این شاخص می تواند ملاک اشتغال رسمی باشد. نمودار (۴) رابطه میان بنگاه هایی که در آغاز عملیات اجرایی به صورت رسمی ثبت شده اند (محور عمودی) و شاخص سخت گیرانه بودن قوانین اشتغال (محور افقی) را نشان می دهد.

نمودار(۴): رابطه میان قوانین بازار کار و شرکتهای ثبت شده

شرکتهای ثبت شده(٪)



شاخص سختی قوانین اشتغال (۱-۱۰۰)

قانون حمایت از اشتغال (EPL)^۸ که مبتنی بر استخدام و اخراج کارگران است؛ برای افزایش رفاه کارگران و جلوگیری از تبعیض طراحی شده است. هر چند که اثر آن بر پیامدهای بازار کار محل مناقشه است. طرفداران آن اعتقاد دارند که ثبات را تأمین می کند، چرا که به واسطه تعدیل نوسانات اشتغال طی چرخه های تجاری باعث ثبات می شود و منجر به افزایش سرمایه گذاری بنگاه ها در سرمایه انسانی و تلاش بیشتر کارگران می شود. منتقدان نیز ادعان دارند که منجر به تجزیه بازار کار و تقسیم آن به بخش رسمی و غیررسمی می شود. به طور کلی، کارگران بخش غیررسمی بهره وری کمتری دارند و بنگاه ها دستمزد کمتری به آنان می پردازند. مطالعات متعددی رابطه میان مقررات سخت گیرانه بازار کار و شکل گیری بازارهای غیر رسمی را نشان می دهد که این امر به نوبه خود منجر به کاهش بهره وری می شود و کاهش رفاه را در پی دارد. همچنین این گونه بازارها موجب می شوند گروه های کار آسیب پذیر نظیر: زنان، جوانان و نیروی کار غیر ماهر شانس کمتری برای اشتغال داشته باشند. از طرف دیگر، قوانین ضعیف بازار کار منجر به تبعیض و رفاه پایین تر برای

^۸ . Employment Protection Legislation

کارگران می‌شود. بنابراین با توجه به تبعات اقتصادی بازار کار، گزارش کسب و کار یکی از ملاک‌های ارزیابی خود را بر این محور قرار داده است. چالش دولتها در توسعه سیاستهای بازار کار، ایجاد توازن بین حمایت کارگران و انعطاف پذیری قوانین کار است.

داده‌های گزارش کسب و کار نشان می‌دهد گرایش کشورهای با درآمد کم و پایین تر از متوسط به سمت قوانین کار سخت گیرانه‌تر است که یکی از دلایل آن، فقدان بیمه بیکاری است. داده‌ها نشان می‌دهد هیچ یک از کشورهای کم درآمد و ۲۳ درصد از کشورهای با درآمد کمتر از متوسط، مطابق قوانین مدون خود، حمایتی در خصوص بیکاری ندارند. بیشتر کشورها قوانین الزام آوری در جهت عدم تبعیض جنسیتی ندارند. چنین قوانینی غالباً در کشورهای با درآمد بالای OECD وجود دارد. گزارش کسب و کار که از سال ۲۰۰۳ جنبه‌هایی از مقررات بازار کار اندازه گرفته است، در سال جاری اطلاعات مربوط به ۴۰ جنبه از قوانین کار ۱۹۰ کشور را در گزارش لحاظ کرده است.

در حدود ۷۹ درصد کشورها، پرداختهای مجزایی برای نیروی کار اخراج شده در نظر می‌گیرند. با این‌که این پرداختها، مکانیسم ضعیفی برای جبران درآمد هستند و نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای بیمه بیکاری باشند، اما منجر به ایجاد دوگانگی در بازار کار می‌شوند و شانس به دست آوردن شغل گروه‌های آسیب پذیر را کاهش دهند. در بعضی کشورها، این پرداختها تقریباً معادل یکسال حقوق می‌باشد و بنابراین می‌توانند برای بنگاه های کوچک و متوسط بار هزینه‌ای سنگینی تلقی شود. داده های گزارش کسب و کار نشان می‌دهد اندازه این پرداختها رابطه منفی با اندازه درآمد کشورها دارند؛ به این معنی که با افزایش درآمد کشورها، اندازه این پرداختها کم می‌شود.

۵-۴-۱) چارچوب مقررات جنسیتی در بازار کار

برابری جنسیتی می‌تواند سبب همبستگی اجتماعی شود و بهره وری را بالا ببرد. زنان تقریباً ۴۰ درصد نیروی کار جهان و ۵۰ درصد دانشجویان را تشکیل می‌دهند. حذف موانع قانونی دسترسی زنان به بازار کار،

دستاورد‌های گسترده‌ای در خصوص بهره‌وری به دنبال دارد و پیامدهای اقتصادی- اجتماعی را بهبود می‌بخشد. داده‌های گزارش کسب و کار ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که تقریباً ۶۰ درصد کشورها قوانینی در جهت رفع تبعیض جنسیتی برای استخدام و پرداخت‌های یکسان برای کار برابر ندارند. چنین قوانینی غالباً در کشورهای پردرآمد OECD وجود دارند. درآمد زنان به طور متوسط در سطح جهانی حدود ۷۷ درصد درآمد مردان است. اندازه شکاف دستمزد در بین کشورها و بخش‌ها اختلاف معناداری با هم دارند. جاری کردن قوانین ضد تبعیض، می‌تواند چارچوبی در جهت تامین حقوق زنان فراهم نماید و گامی به سمت کاهش نابرابری جنسیتی در بازار کار می‌باشد.

اعمال موانع قانونی برای اشتغال زنان در بعضی از صنایع و حرفه‌های شغلی متداول‌ترین تبعیضی است که در بیشتر کشورها رایج است. از بین ۱۷۳ کشوری که داده‌های آنها در گزارش کسب و کار موجود است، ۱۰۰ کشور از مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی خاصی ممانعت می‌کنند. برای مثال در جمهوری قرقیزستان، زنان نمی‌توانند تقریباً به ۴۰۰ حرفه وارد شوند و در فدراسیون روسیه زنان از ۴۵۶ شغل خاص محرومند. چنین قانونگذاری غالباً به بهانه حفظ منافع زنان توجیه می‌شود، اما به تبعیض شغلی و شکاف گسترده دستمزد منتج شده است؛ چرا که این مشاغل غالباً در بخش‌های پردرآمد مانند حوزه صنعت و معدن قرار دارند.

شواهد نشان می‌دهند عدالت جنسیتی پایین‌تر به شکاف جنسیتی بزرگتر در مقاطع تحصیلی راهنمایی منتهی می‌شود؛ چرا که خانواده‌ها به این نتیجه می‌رسند که سرمایه‌گذاری برای تحصیل دختران بی‌ارزش است چون در هر صورت با موانع شغلی مواجه می‌شوند. ضمن آنکه در کشورهایی که نابرابری جنسیتی گسترده‌ای وجود دارد، احتمال کمتری برای انجام کسب و کار توسط زنان، استخدام آنان یا پیشرفت آن‌ها برای دستیابی به موقعیت‌های مدیریتی وجود دارد.